



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۰ دی ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- توضیح مسأله و موضوعات آن - تفاوت نظر امام(ره) و مرحوم سید -

مصادف با: ۲۵ جمادی الاول ۱۴۴۲

اشکال به محقق بروجردی

جلسه: ۶۴

سال سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۲۳: «كما يحرم على الرجل النظر إلى الأجنبية يجب عليها التستر من الأجانب، و لا يجب على الرجال التستر و إن كان يحرم على النساء النظر إليهم عدا ما استثني، و إذا علموا بأن النساء يتعمدن النظر إليهم فالأحوط التستر منهن و إن كان الأقوى عدم وجوبه».

طبق معمول یک توضیح کلی و اجمالی از مسأله را ذکر می‌کنیم و بعد وارد مباحث مربوط به متن تحریر خواهیم شد. موضوع اصلی مسأله ۲۳ پوشش زنان و مردان است. آنچه تا به حال در ضمن مسائل گذشته مطرح شد، درباره حکم نظر به اجنبیه و اجنبی بود؛ اینکه زنی به مردی نگاه کند حکمش چیست، یا مردی به زنی نگاه کند حکمش چیست؛ حکم النظر الی الاجنبیه و الاجنبی. اینجا بحث از پوشش و ستر است؛ البته بحث از ستر عمدتاً در کتاب الصلاة مطرح می‌شود و بحث نظر عمدتاً در کتاب النکاح به میان می‌آید. اکثر فقها این دو مسأله را از هم جدا کرده‌اند، یکی مسأله نظر را و یکی هم مسأله ستر، و تقریباً در همین دو باب که اشاره کردیم، به این دو مسأله پرداخته‌اند. لذا اینها دو مسأله جداگانه هستند که قبلاً به این مطلب اشاره کردیم. البته ادله اینها هم طبیعتاً متفاوت است؛ ادله نظر و ادله ستر کاملاً متفاوت است، هر چند بخشی از بحث‌ها دارای ادله مشترک هم هستند. اگر به خاطر داشته باشید به برخی از آیات در گذشته استناد شده برای حرمت نظر، مثل آیه غض؛ در مورد ستر هم بعضاً به این آیات استناد شده است. حالا اینکه تا چه حد این استنادات تمام است یا نه، آن بحث دیگری است؛ ولی به هر حال ادله مشترک برای این دو مسأله وجود دارد. لذا با قطع نظر از این ادله مشترک که در خیلی از امور می‌تواند چنین اشتراکی وجود داشته باشد، اما اصل مسأله معلوم است که دو مسأله است؛ آنچه که الان می‌خواهیم درباره آن بحث کنیم، بحث پوشش زنان و حجاب زنان است که یک بحث مهم و مبتلابه است؛ اینکه حجاب زن تا حدی لازم است و حجاب و پوشش مرد تا چه حدی است. لذا هم بحث مهمی است و هم مبتلابه است و مخصوصاً اینکه بالاخره در مورد حجاب و پوشش زن سؤالات و پرسش‌های زیادی مطرح می‌شود که آیا در قرآن اساساً چیزی راجع به حجاب و پوشش زن گفته شده یا نه؛ این حجاب و پوشش حدودش چقدر است؛ آیا الزامی باید از ناحیه حاکم نسبت به آن صورت بگیرد یا نه.

اما آنچه که امام(ره) در این مسأله فرموده، روشن است؛ می‌فرماید: همانطور که بر مرد حرام است که به اجنبیه نگاه کند، بر اجنبیه هم لازم و واجب است که خودش را از اجانب بیوشاند. این درباره موضوع اول است، یعنی وجوب حجاب بر زن. «و لا يجب على الرجال التستر»، اما بر مردان حجاب و پوشش واجب نیست، «و إن كان يحرم على النساء النظر إليهم»، اما بر زنان حرام است نگاه به مردان مگر آن مقداری که استثنا شده است. آن مقداری که استثنا شده را قبلاً بحث کردیم؛ خود امام

هم متعرض شدند و ما هم مفصلاً در مورد نگاه زن به مرد بحث کردیم؛ آیا زن فقط به دست و صورت مرد می‌تواند نگاه کند یا مثلاً به بازوان مرد، به گردن و سینه مرد یا به ساق پای مرد هم می‌تواند نگاه کند؟ در این بخش قبلاً گفتیم که ظاهر ادله عدم حرمة النظر الى الرجل الا العورة است و البته احتیاط کردیم مابین السرة و الركبة، و الا در غیر این مورد نگاه بدون تلبذ و ریبه را گفتیم اشکالی ندارد. البته نظر ما با فتوای امام(ره) متفاوت بود. بعد در ادامه می‌فرماید: «و إذا علموا بأن النساء يتعمدن النظر إليهم»، اگر مردان علم و یقین دارند که زنان آگاهانه و از روی قصد به آنها نگاه می‌کنند، «فالأحوط التستر منهن و إن كان الأقوى عدم وجوبه»، احتیاط آن است که خودشان را از آنها بپوشانند، اگرچه اقوی این است که واجب نیست ولو اینکه نساء تعمداً به آنها نگاه می‌کنند.

این خلاصه آن چیزی است که امام در این مسأله فرموده است. عرض شد که دو موضوع در این مسأله باید مورد رسیدگی قرار گیرد؛ یکی پوشش زنان و حد و حدود آن، و دیگری پوشش مردان. البته در مورد مردان یک ذیلی هم دارد که اگر مرد یقین داشته باشد که زن به او نگاه می‌کند، احتیاط مستحب آن است که خودش را بپوشاند.

### نظر مرحوم سید

مرحوم سید در عروه این مطلب را در مسأله ۵۱ مطرح کرده است. تقریباً عبارات دو مسأله یکسان است با یک تفاوت اندک؛ نوعاً ملاحظه کرده‌اید که در بیان این مسائل تفاوت‌ها چگونه است و شباهت‌ها و قرابت‌های بسیاری هم وجود دارد. چون مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی صاحب وسیلة النجاة بسیاری از عبارات و سیله را از عروه با یک تغییراتی انتخاب و اخذ کرده و امام(ره) هم که وسیله را تحریر کرده، طبیعتاً این جهت در آن وجود دارد. مرحوم سید می‌فرماید: «يجب على النساء التستر، كما يحرم على الرجال النظر»، همانطور که بر زنان تستر واجب است، بر مردان هم حرام است که نگاه کنند و نظر کنند. «و لا يجب على الرجال التستر و إن كان يحرم على النساء النظر»، بر مردان پوشش و تستر واجب نیست، هر چند بر زنان حرام است نگاه به مردان. «نعم حال الرجال بالنسبة إلى العورة حال النساء»، البته این استدراک مرحوم سید است که بله، حال رجال بالنسبة الى العورة حال النساء؛ یعنی همانطور که زنان خودشان را می‌بایست بپوشانند، مردان هم عورت خودشان را باید بپوشانند. چون در بالا فرمود: «و لا يجب على الرجال التستر»، این استدراک را کرده‌اند که بله، بر مردان پوشش واجب نیست اما اینکه می‌گوییم پوشش واجب نیست، پوشاندن و پوشش عورت بر آنها واجب است. «و يجب عليهم التستر مع العلم بتعمد النساء في النظر»، بر مردان تستر و پوشش واجب است، در صورتی که یقین داشته باشند به اینکه زنان تعمد در نظر دارند؛ یعنی با قصد نگاه می‌کنند و آنها را مورد توجه قرار می‌دهند. آن وقت مرحوم سید وجه لزوم تستر و پوشش در صورت علم و یقین به تعمد نساء في النظر را هم فرموده است، «من باب حرمة الإعانة على الإثم»؛ گفته اگر مرد یقین دارد که زن به او نگاه می‌کند، واجب است که خودش را بپوشاند، از باب حرمت اعانه بر اثم؛ چه اینکه اگر خودش را نپوشاند، در واقع اعانه و کمک کرده به اثم و گناهی که از آن زن سر می‌زند.

همانطور که ملاحظه فرمودید یک تفاوت جزئی در این دو عبارت وجود دارد. اولاً آن استدراکی که مرحوم سید در متن مسأله ۵۱ آورده که منشأ اشتباه هم شده، این را در متن تحریر نمی‌بینیم.

### اشکال به محقق بروجردی

اشتباهی که پیش آمده از تعلیقه و حاشیه‌ای که مرحوم آیت‌الله بروجردی ذیل این استدراک نوشته‌اند کاملاً هویدا و آشکار

است؛ چون مرحوم سید فرمود: «و لا يجب على الرجال التستر و إن كان يحرم على النساء النظر»، بر مردان پوشش واجب نیست هر چند بر زنان نگاه حرام است. «نعم حال الرجال بالنسبة إلى العورة حال النساء»، بله، حال مردان نسبت به عورت، حال زنان است؛ یعنی همانطور که زنان خودشان را می پوشانند، بر مردان هم واجب است پوشاندن عورت. در ادامه دارد: «و يجب عليهم التستر»، اینجا مرحوم آقای بروجردی یک مطلبی را فرموده که این نشان دهنده یک اشتباهی است که از بیان همین استدراک ناشی شده است. ظاهر جمله مرحوم سید این است که «و يجب عليهم التستر مع العلم بتعمد النساء في النظر» عطف به جمله بالایی است که «و لا يجب على الرجال التستر»؛ بالا فرمود بر مردان پوشش واجب نیست، ولی در ادامه می فرماید «و يجب عليهم التستر مع العلم بتعمد النساء في النظر». یعنی کأنه مرحوم سید دو مطلب را در اینجا فرموده است؛ این جمله دوم را به جمله بالا عطف کرده است. بالا می گوید «و لا يجب على الرجال التستر»، بر مردان پوشش واجب نیست؛ ولی در ذیل آن می گوید اگر اینها یقین دارند که زنان عمداً به آنها نگاه می کنند، بر آنها پوشش واجب است. کأن آن جمله استدراکی که مرحوم سید در این میان ذکر کرده، یک مسأله دیگری است؛ ارتباط با آن جمله اول و این جمله اخیر ندارد. این وسط ایشان یک تذکری داده و استدراکی کرده که اینکه می گوئیم بر مردان تستر واجب نیست، حواستان باشد که این نسبت به غیر عورت است؛ در عورت تستر واجب است. در واقع این «نعم» در ادامه جمله اول و برای استدراک و توضیح آن مطلب است.

اما یک حاشیه ای در اینجا مرحوم آقای بروجردی ذکر کرده اند که ظاهرش آن است که «و يجب عليهم التستر مع العلم بتعمد النساء في النظر» را ادامه همان استدراک دانسته اند. ایشان ذیل جمله «مع العلم بتعمد النساء في النظر» اینطور مرقوم فرموده اند: «أو الرجال بل و مع العلم بوقوع نظرهم اليها من غير تعمد بل الاحوط ذلك اذا كانت معرضا لذلك و إن لم يكن معلوماً». این تعلیقه مرحوم آقای بروجردی ذیل این جمله است. مرحوم سید فرموده اگر مرد یقین دارد که نساء تعمد در نظر دارند، بر مردان پوشش واجب است. مرحوم آقای بروجردی گمان کرده این تعمد النساء في النظر، یعنی في النظر الى العورة؛ این جمله را ادامه جمله استدراکی قبل از این دانسته است. چون این چنین فکر کرده، آن وقت این اضافه را اینجا مرقوم فرموده است. این خیلی عجیب است که فرموده ... این بیان سید است «مع العلم بتعمد النساء في النظر» می گوید «أو الرجال» یعنی مع العلم بتعمد الرجال في النظر. گمان کرده که بحث نظر به عورت است؛ گفته اگر زنان تعمد در نظر به عورت داشته باشند پوشش واجب است، اگر مرد هم تعمد در نظر به عورت داشته باشد بر این واجب است که خودش را بپوشاند. «بل و مع العلم بوقوع نظرهم اليها من غير تعمد»، مرحوم آقای بروجردی اضراب هم می کند و می فرماید بلکه حتی اگر یقین داشته باشد که نظر مردان به عورت او می افتد، ولو عمد و قصدی در کار نباشد، باز باید خودش را بپوشاند. می گوید اگر کسی یقین دارد با این وضعیت اگر مثلاً فلان جا باشد بدون پوشش، چشم مردان دیگر به عورت او خواهد افتاد ولو قصدی هم نداشته باشند؛ می گوید اینجا هم بر او واجب است عورتش را بپوشاند، البته اگر علم و یقین به چنین مسأله ای داشته باشد. بعد یک اضراب دیگر می کند: «بل الاحوط ذلك»، یعنی وجوب تستر العورة؛ «اذا كانت معرضا لذلك»، می گوید احوط آن است که عورتش را بپوشاند در جایی که عورت او در معرض دید است، «و إن لم يكن معلوماً»، ولو یقینی هم نیست که دیگران می بینند. مثلاً در حیاط خانه اش یا در زمانی که در کوچه کسی نیست، یعنی یقین ندارد که چشم دیگران به عورت او می افتد، می گوید ولو یقین ندارد اما همین که در معرض قرار می گیرد که دیگران عورت او را ببینند، احوط آن است که بپوشاند.

پس این جمله‌ای که مرحوم آقای بروجردی ذیل این عبارت مرحوم سید آورده، همه بر این اساس استوار است که ایشان گمان کرده است «و یجب علیهم التستر مع العلم بتعمد النساء فی النظر» این دنباله همان جمله‌ای است که سید بعد از «نعم» و به عنوان استدراک آورده است؛ گمان کرده‌اند که این جمله هم پیرامون مسأله ستر عورت است؛ چون ایشان فرمود «نعم حال الرجال بالنسبة الی العورة حال النساء»، لذا گمان کرده این چیزی که در ادامه در اینجا آورده شده، این در واقع مربوط به همان عورت است. لذا شما می‌بینید «أو الرجال» را اضافه کرده و دو اضراب هم کرده است. این سه قیدی که مرحوم آقای بروجردی در اینجا اضافه کرده به کلام مرحوم سید، مبتنی بر این فرض بوده که این جمله «و یجب علیهم التستر» را ادامه همان استدراک دانسته است، در حالی که «و یجب علیهم التستر» عطف به آن جمله قبل الاستدراک است که فرمود «و لا یجب علی الرجال التستر» و این جمله بعد از «نعم» در واقع یک جمله استدراکی است که در همین چاپ‌های جدید عروه اینها را بین دو خط تیره قرار داده‌اند تا موجب چنین اشتباهی نشود. این یک اشتباه خیلی عجیبی است که ایشان مرتکب آن شده‌اند و اینطور استفاده کرده‌اند.

#### تفاوت نظر امام و مرحوم سید

۱. امام (ره) این استدراک را در متن تحریر نیاورده‌اند؛ لازم هم نبود که بیاورند؛ چون اصلاً بحث عورت نیست. اینجا بحث پوشش مردان به نحو کلی است. ستر عورت از مسلمات است و قبلاً هم گفته شده که بالاخره نظر به عورت جایز نیست، چه مرد و چه زن. لذا لزومی نداشته که این جمله استدراکی را اینجا بیاورند و آوردن آن منشأ یک چنین شبهه و اشتباهی شده، لکن در متن تحریر همانطور که ملاحظه فرمودید این استدراک ذکر نشده است. بعضی از محشین عروه هم برای اینکه پیشگیری کنند از چنین اشکالی، یک توضیحی داده‌اند که «و یجب علیهم التستر»، این در واقع یک جمله مستأنفه است و عطف بر آن جمله قبل از «نعم» است.

اصل مسأله این است که کأن در مورد وجوب پوشش زنان بحثی نیست، ولو در مورد مستثنیات آن اختلاف نظر وجود دارد. اینکه آیا صورت و دست‌ها را باید بپوشانند یا نه، این محل اختلاف است. ولی اصل پوشش محل بحث نیست و تقریباً همه آن را قبول دارند. در مورد عدم وجوب پوشش مردان هم تقریباً این چنین است، باز آن هم هر چند در مورد محدوده‌اش ممکن است اختلافی وجود داشته باشد؛ در مورد محدوده نظر هم این اختلاف بود، همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم. آنجایی که سید فرموده «و یجب علیهم التستر»، می‌گوید آنجایی که بر مرد این یقین وجود دارد که زن به او نگاه می‌کند، فتوا داده واجب است خودش را بپوشاند، ملاحظه فرمودید امام این را نفرمود؛ امام فرمود «و ان کان الاقوی عدم وجوبه»، احوط این است که خودش را بپوشاند در جایی که علم به تعمد نظر دارد اما فتوا به وجوب تستر نداد. اما مرحوم سید می‌گوید «و یجب علیهم التستر». مرحوم آقای خوئی در اینجا احتیاط وجوبی کرده‌اند و گفته‌اند «علی الاحوط». این یک اختلافی است که بین مرحوم سید و امام در این مسأله وجود دارد؛ و الا غیر از این اختلاف و عدم تعرض به آن جمله استدراکی، دیگر فرقی بین این دو مسأله وجود ندارد.

۲. به‌علاوه امام آن استثنایی که در مورد نظر ذکر کرده‌اند، مرحوم سید آن را هم اینجا نفرموده است؛ امام فرمود که «بحرم علی النساء النظر الیهن عدا ما استثنی»، اما این استثنا در کلام سید وجود ندارد.

۳. یک جمله‌ای را هم امام در تحریر نیاورده که در عروه آمده و لذا ایشان در تعلیقه خود بر عروه، این را به عنوان اشکال به سید ذکر کرده‌اند. مرحوم سید فرمود اگر یقین دارد زنان عمداً و از روی قصد او را نگاه می‌کنند، واجب است خود را بیوشاند از باب حرمت اعانه بر اثم. امام اولاً ملاحظه فرمودید فتوا نداد به وجوب پوشش ولو اینکه زنان با قصد به او نگاه کنند. ثانیاً در مورد اعانه بر اثم هم ایشان اشکال کرده است؛ ذیل این عبارت سید امام می‌فرماید «صدق الاعانة على الاثم ممنوع» اینکه اینجا بگوییم اگر مرد یقین دارد زن عمداً دارد او را نگاه می‌کند، حالا خودش را بیوشاند، این مصداق اعانه بر اثم باشد و حرام باشد، می‌گوید نه، اینجا اعانه بر اثم نیست. «فلا يجب عليهم التستر حتى مع العلم بتعمدها»، پس واجب نیست بر مردان اینکه خودشان را بیوشانند حتی جایی که یقین دارند زنان عمداً آنها را نگاه می‌کنند. می‌گوید اصلاً این از باب اعانه بر اثم نیست و لازم نیست خودشان را بیوشانند. در متن تحریر هم ایشان فرمود «و ان كان الاقوى عدم وجوبه»، فتوا داد که واجب نیست پوشش مرد حتی در فرض علم به تعمد نظر زنان.

این یک توضیح اجمالی از این مسأله بود. حالا باید برویم سراغ ادله؛ ادله حجاب و پوشش زن و مرد چیست. این بحث مبسوطی است که به تدریج وارد آن خواهیم شد.

«والحمد لله رب العالمين»